

چکیده:

هدف از رساله‌ی حاضر، بررسی امکان و هدفِ بازنماییِ خشونتِ سیاسی، از منظرگاهِ پژوهشِ هنر، نظر به عکس‌های نسل‌کشیِ حلبچه، است. طبیعتاً از آنجا که تمامی ارکان این جمله نیازمند روشن‌سازی هستند، دغدغه‌ی رساله‌ی حاضر بدو به شیوه‌ی تأملِ پدیدارشناختی - هم در مناقشاتِ تئوریک و هم در مصادیقِ هنری - روشن ساختن خود این ارکان و مسائل مربوط به آنها و تلاش برای یافتن راه حل برای آنهاست. لذا این تحقیق، از نوعِ تحقیقِ بنیادین است و روش آن تأملِ نظری ضمن بازگشتی پدیدارشناسانه به خود موضوع برای استخراج پرسش‌ها، مسائل و مناقشات اساسی و آنگاه تحلیل برخی مصادیقِ هنری است که این مباحث در آنها انعکاس می‌یابند. از این رو، در این رساله گزینش این نمونه‌های هنری، بر اساس دلالت همان مسائل است. همچنین مسئله‌ی رساله‌ی حاضر این است که اگر بتوان معنای امکان و هدف و به‌طور کلی ماهیتِ بازنماییِ هنریِ نسل‌کشی را - به شیوه‌ای بارتی - در تمایز با بازنماییِ سیاسی - حقوقی آن، ضمن استخراجِ توصیفیِ ذاتِ آیدتیک این پدیده روشن کرد، می‌توان سه مناقشه‌ی کلان را فهمیده و حل کرد: (۱) مناقشه جان‌برجری در انتظار از تأثیر بازنماییِ هنریِ ناظر به خشونت، (۲) مناقشه‌ی آدورنوی-سانتاگی بر سر امکانِ بازنمایی در رهایی‌بخشی یا سرکوب‌گری بازنماییِ هنری و (۳) مقدم بر اینها، تعارضِ ظاهریِ جمع شدنِ هنر به مثابه زیباشناسی با خشونت. این سه مبحث در حاقِ تولید و تفسیرِ بسیاری از آثار هنریِ ناظر به نسل‌کشی چونان معماهای بزرگِ سردرگم‌کننده و نومیدکننده جاری‌اند. لذا نتیجه و یافته‌ی اصلی این رساله حصول درکی پدیدارشناسانه از مفهوم بازنمایی با عبور از گسست سوژه-ابژه است که به حل این سه مناقشه منتهی می‌شود. در نتیجه می‌توان به بازنماییِ هنریِ عکس‌های نسل‌کشیِ حلبچه با رویکردِ پدیدارشناسیِ انتولوژیک پرداخت که صدا البته نخست باید نسل‌کشی بودن آن نظر به رسمی‌ترین تعاریف نسل‌کشی به اثبات برسد.

کلیدواژگان: خشونت سیاسی، نسل‌کشی، حلبچه، بازنمایی، بازنماییِ هنری، انتظار از بازنماییِ هنری، امکانِ بازنمایی.